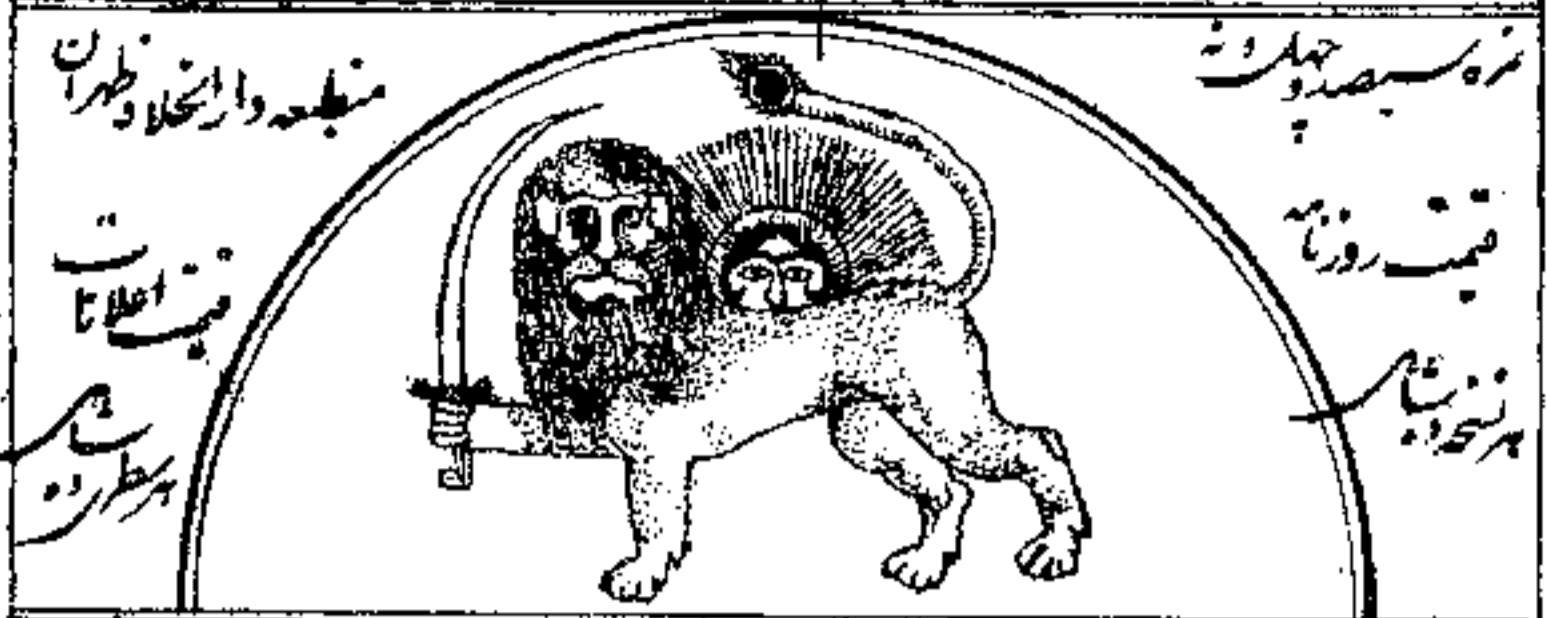


روزنامه قایم اتقا و سیاست پویم خورشید نوردهم شهر صفر مظفر نظامت سلطان



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روزنامه ۲۲ شهزده تحفه احرام نمره ۱۴۳۳ تفصیلی کیفیت و لیجندی نورده و عظمت و شایسته
و نورده بقدر خلافت و تاجداری نواب اشرف ارفع والا امیر کبیر با اقسام امیر نظام و اقامت
نکارشکن یافته بود چون روز نصب و لیجندی تعیین شده بود و در روزنامه مزبوره و عده داده
شده بود که بعد از تعیین روز مرتب بازمجد و آدر ضمن روزنامه کافه ناس از نوکر و غیر نوکر
اعلام شود لهذا نگاشته میشود که روز ۱۴ شهریور بیچ الاول بعبادت و فرخندگی اجرای این مهم
جلیل خواهد شد و مجلس عیش و جشن بزرگ در روز مزبور فرخنده خواهد آمد سفرای دول متجاوین
و بار و دولت علیه و اجله جاگران در بارها یون عموما حضور بهم خواهند رسانید و عیش و شادمانی
استفال خواهند و زید پس از حکام مالک محروسه و جاگران عقبه علیه اشخاصی که امکان
حضور در دارالخلافه دارند باشند روز مزبور را اجرای رسوم عیش و عشرت در محل حکومت
خود خواهند شد (چون در این اوقات هوای دارالخلافه طهران بسیار خوب شده و با تعدال
آمده و سیلا قات شمیران نیز درین روزها که میزان داخل گردیده و هوای آنجا بسیار سرد شده است
زیاده مطلوب بنود لهذا سرکار اقدس با یون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانیه در روز دوشنبه
این ماه از سیلاق نیوران لغزیت دارالخلافه حرکت فرمودند جناب اشرف ارفع محترم صدراعظم
و سایر خواص و مقرران حضرت کردون لبطت سینه نیز در موکب با یون بودند افواج قاهر
نظام متوقف دارالخلافه مبارکه که از زیر قصر قاجار الی بالای نگارستان که معبر موکب فروری

۲۳۰۹

لکب بود صف نظامی کشیده شرفیاب حضور هر ظهور خردانی کردیدند نواب کامیاب میباشند هرزه
 والا تبار محمد تقی میرزا حکم آن دار الخلافه طهران و سایر جا کران و کارگذاران و صاحبان
 متوقف دار الخلافه مبارکه باستقبال شرفیابی حاصل نمودند و موکب هایون پنج عت
 از روز بالا آمد به باله سوگه و الاقبال در باغ نکارستان نزول اجلال فرمودند و تقدیم قربانها
 و غیره بعمل آمد و چون عمارت مبارکه ارک را تعمیر می نمایند چند روزی در باغ نکارستان توقف
 خواهند داشت تا عمارت مبارکه ارک زیب و این یافت در ساعت سعد و ارک مبارکه سلطانی
 شوند (بعد از آنکه راهی رفت برای اولیای دولت علیه بر احضار جناب نایب میرزا
 میرزا ششم از کرمانشاهان به دار الخلافه الباهره قرار گرفت لازم بود برای مزید افتخار و امیدواری
 او از الطاف خاطر اقدس هایون طوکانه اقامه دلیل بشود و برابر تشکر و امان مغزی الیه
 بفرماید لهذا از جناب خان خاص خردانی کیو بجهت ترمیم کشمیری اعلا پرسم حلقه اقبال طلبت
 مغزی الیه حجت شد و متخلفا شرفیاب حضور محنت ظهور سرکار اعلیحضرت اقدس هایون
 شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه کشته مورد نوازش و عواطف خدیوانه گردید (در روزنامه
 سابق نوشته شده بود که مقرب انخافان سیو جان داو و خان سیرتپ مترجم اول دولت
 علیه از جانب سستی الجوانب هایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دامت شوکتها امور تملیس نزد
 جناب جلالت نایب جانشین مملکت قفقاز است در روز جمعه ششم شهر صفر المظفر از پیشگاه حضرت
 دستگاه هایون اقدس اعلی عرضی گرفته بجل مأموریت خود روانه گشت هر دو هم چنین سابقا در
 روزنامه نگاشته شده بود که مقرب انخافان میرزا حسین خان کارپرداز اول و مخصوص دولت
 علیه مقیم تملیس برای سرکشی امور فغانی خود موقفا به دار الخلافه الباهره احضار شده بود این روزها در
 حاصل کرده اولیای دولت علیه اجازت رخصت دادند که روانه محل مأموریت شود لهذا از حضور
 غایت ظهور سرکار اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه عرضی گرفته در روز ششم
 شهر صفر المظفر عازم مقر مأموریت خود گردید (چون نواب مستطاب شاهزاده محترم والا تبار
 اردشیر میرزا در انتظام امور مملکت از بایجان و تنفیذ احکام دیوان و تحصیل موقوفات اکتفا و آسودگی
 رعیت خدمات نمایان کرده بود از جانب سستی الجوانب هایون با عطا ی کیو بجهت قبایل و سادات حاج
 بدن مبارک سرفراز گردیدند (چون مؤمن السلطان مقرب انخافان وزیر نظام در انتظام
 مملکت از بایجان خاصه در رفع اختلال و انقلاب آنجا و در ایام کرانی غله برای ترفیه حال سگان آنجا

کافی کرده از ولایات بعیده غله باسجا آورده و خدمات نمایان کرده بود از جانب سنی احوال همایون
 با عطای یک قطعه شان مثال میثال همایون سرفراز کردید (دینیر عالیجاه مقرتب انخاقان
 میرزا مصطفی قلی مستوفی رئیس محاسبات از با بجان در وصول و ایصال بقایا و تنقیح محاسبات
 اهتمام کافی بعمل آورده بود خدمات او در خاکبای همایون مقبول افتاده یکثوب چینه ترمه شریف
 مرحمت شد) (امیر الامرار العظام مقرتب انخاقان علام حسین خان سپهسالار حکمران کرمان که در انتظام
 عوام مملکتی و انجام خدمات دولتی و تنقیح احکام دیوانی سعی مشکوره مرعی داشته خدمات شایسته
 کرده بود مواری یک قطعه شان مثال مهر مثال همایون برای مزید امیدواری و افتخار او از جانب
 سنی احوال شش طوکانه مرحمت شد) (چون عالیجاه مقرتب آنحضرة علیه میرزا محمد مستوفی در
 کرمان در تنقیح محاسبات و وصول و ایصال مالیات و بقایای سنواتی خدمات نمایان کرده بود
 یکثوب چینه ترمه شریف او مرحمت شد) (چون عالیجاه مقرتب انخاقان یوسف خان سپه
 حاکم یزد و میرزا شفیع مستوفی وزیر یزد در نظم و ولایت و وصول و ایصال مالیات تقدیم خدمات
 شایسته کرده بودند لهذا از جانب سنی احوال همایون یکثوب قبا از بلوس تن مبارک در حق
 مقرتب انخاقان محمد یوسف خان و یکثوب چینه ترمه در وجه عالیجاه میرزا شیخ برسم خلعت مرحمت
 چون عالیجاه مقرتب آنحضرة علیه میرزا زکی مستوفی وزیر اصفهان در تنقیح محاسبات و وصول
 مالیات و بقایای سنواتی اصفهان تقدیم خدمات شایسته کرده علاوه بر آن قریه کوسک که از
 دولت محسب اصفهان بود مدتی خراب و مسلوب المنفعه افتاده بود قنوات آنجا تعمیر نموده بجلیه آبادی
 در آورده بود خدمات او در خاکبای مبارک مقبول افتاده یکثوب چینه ترمه بافتخار او مرحمت کرد امور
 قشونی چون این روزها هوا بسیار خورشید کمالی نظام حسب الامر از توپچی و زنبورکی سوار
 نظام و افواج قاهره همه روزه در میدان مشق خارج شهر مشغول مشق نظامی میباشند و عموم صاحبان
 در تعلیم قواعد نظامی کمال مراقبت را دارند) (عالیجاه جامع محمد خان سرسنگ فرج علی سواد که همواره
 کرمانشاهن و از اسما مورعستان بود در این اوقات که در بار همایون احضار گردیده و
 شرفیات حضور مهر ظهور اقدس همایون شایستهی کردید نظر بخدمات مشارالیه در امور
 کرمانشاهن و عربستان که مقبول و مستحسن خاطر سرکار آه سس شهرباری و امنای دولت علیه
 افتاده بود یک طاقه شال با دهنفت مرحمت کرد بد

سایر ولایات

حشم از واریکه در روزنامه حشم نوشته اند در شب جمعه شهر صفر المظفر که شب عید مولود
 معبود اعلی حضرت اقدس بایون شاهنشاهی بود دکاکین و بازار را صاحب حکم مقترب انخاقان ^{عقلخان}
 حاکم حشم این بندی و چراغان کرده بلوارم جشن و سرور پرده خستند فردای آن شب که روز عید مولود
 بایون بود مقترب انخاقان مشارالیه در دیوانخانه انجمن مجلس عبدالعقاد داده علماء و فضلا و اعیان و
 اشرف شهر و محلات حشم حضور بهم رسانده بعد از اجرای شکر توپ ارای خطبه بنام اقدس بایون
 و احتتام بدعای تقابلی عسرواز دیاد دولت و شوکت ابد مقرون گردیده حضار مجلس صرف شربت
 شیرینی نموده لوازم تهیئت و مبارکباد عید مولود معبود را بعل آوردند و این جشن و سرور شبانه روز
 امتداد داشت شبها هم بازار را چراغان بود و مقترب انخاقان مشارالیه خود در بازار را گردش کرده
 و درین شب همه فضیلهای عظام و علمای اعلام و سادات کرام و اعیان و اشرف و درین سفیدان
 اصناف و غیره مجلس صیافت دعوت شدند و نیز روز را مخصوصا بجهت حصول دعای خیر و سلامتی
 وجود فانیین ایچو و بایون جمیع فقره وضع را جمع کرده اطعام و بکندهم آورد و با مس مساعت نموده لوازم
 جشن و شادمانی عید سعید مولود را از هر چه بطور شایسته تقدیم نمود (دیگر نوشته اند که بجهت رفاه
 حال عابریین و متردین و حصول دعا کونی در سر نیز انجمن رود در قریه نیام و مقترب انخاقان ^{عقلخان}
 پس حکم مضبوطی بنا کرده بود در این روزها عالیجاه میرزا ولینخان نایب الحکومه بجهت اتمام کار پس منبور
 با بخارفته چند روز در آنجا توقف نموده و اتهام کرده پس را در کمال خوبی و استحکام با تمام رسانده برآ
 نمود و بالنصل روز و قوافل از آنجا با کمال آسودگی عبور و مرور می نمایند و ازین زکدر کمال آسودگی و شکر
 گذاری را دارند) (دیگر نوشته اند که سر بازی فراری از خراسان بیکلان رفته بگوگری یا کب تعهد
 بیت تومان پول پیدا کرده بود وقت مراجعت آمده در یکی از دایات حشم منزل کرده و مسکن فرود
 در میان کهنه لحاف صاحب منزل بجا گذاشته فراموش کرده بود بعد که تنخواه خود را معهود دیده
 ندانسته بود که در کجا گذاشته است وارد زنجان شده و بمقترب انخاقان ^{عقلخان} اظهار داشته
 بود که در فلان قریه بیت تومان پول مرا گرفته مقترب انخاقان مشارالیه محتسب شخص نمود که رفته حضار
 را بیاورد و قبل از ورود محصل با بخار زوجه صاحب خانه رفته لحاف را حرکت داده بود دیده بود سینه
 از میان لحاف پرده افتاد پول را بر سر سینه بانفاق شوهرش نیز مقترب انخاقان مشارالیه آورد
 پول را برباز منور تسلیم نمود و چون میرزا فراری خراسان بود او را بانفاق آدمی از خود روانه نمود
 که برده بدست یار فرج کرد کس بسیار

۲۳۱۲

کتاب

اخبار دول خارجی

سابقاً نوشته شد بود که اعلیحضرت امیر اطورشیریه بجهت اطلاع احوال دلبند مالک خود چنانکه ایالات
 لوپاردیا و ونیک فرستند غنیمت مجارستان را بر نصیب داده بود و در آشنای راه خبر دولت
 دخترشان رسید از مجارستان صرف نظر نموده بویسه معاودت کردند امالی مجارستان
 بجهت ورود امیر اطورشیریه بولایت که سیاحت دوم امیر اطورشیریه با نجا بود مدارک است لازم که سیاحت
 اول دیده بودند که تبریک ورود امیر اطورشیریه بولایت بجا آوردند بعد که این غنیمت تجویق انقاد
 از جانب امالی مرقومه اطهار حزن و طلال گردید اعلیحضرت امیر اطورشیریه بجهت رضا جوئی خاطر انقاد
 تکرار سیاحت مجارستان را نشر و اعلان کرده بودند بموجب روزنامه که این اوقات رسیده
 و در دهم اکتوس از وینیه با بعضی از وکلای مورین بزمیت مجارستان حرکت کرده بود (از
 جانب دولت روس سابعالت آنها که رضا بظان و نامورین و ارباب مناصب داده می شد
 بعد از فوت آنها آن شاهزادگان دولت سرد نمودند و درین اوقات اعلیحضرت امیر
 روس حکم کرده اند که هر کس از جانب دولتشان داده میشود بعد از فوت او آن
 با دلا و وارث او و اگر باشد) (درین اوقات اعلیحضرت امیر اطورشیریه مخصوص
 کسانی که در ایام ناپلیان بزرگ در سلک قشون فرانس منسک بودند و آن در حیات
 هستند خواه از اهل خود فرانس باشند یا از اهل سایر فرنگستان بکشان مدالیه تنظیم کرده اند که
 با آنها اعطای نمایند) (از وجوهاتی که بکار خانهای روسیه قرض داده می شد در صد چهار
 و ریافت میگردید درین اوقات بجهت سهولت امور صنعت و تجارت این نفع را تسریل داده
 صد تومان سه تومان قرار داده اند) (از جمله وقایع غریبه در جوار شهر برکسل در قصبه
 بعضی اراضی از تابستان به بعد بای گرم شدن گذشته برشته که تاکنون در جهل و رجه که بار
 و چین چیزی تا حال در انولایت دیده نشده بکان کردند که کوه سوزنده در اینجا ظاهر خواهد
 شد کل امالی اینجا ازین مرحله خائف شده و بجهت تحقیق این از هر طرف اعتنا و اهتمام بعمل آمده
 شد که در همه محل قصبه مذکور این گرامیت بلکه در بعضی جایها مثل جای خرمن و غیره این گرامیت ظهور کرده
 بود آن جا باران کند و در ذرع که کشته شد دیگر حالت حرارت نبود کل امالی اینجا ازین کیفیت
 گردیده و ارباب حکمت نیز در حکمت این کار متحیرند و بجهت تحقیق این کیفیت که آیا سبب چه باشد
 دولت بجهت قومی عقده و تکلیف باقی است

۲۳۱۳

بقرای که در روزنامه جدید اخبار است اسلامبول نوشته اند از جانب حکمدار دلی اعلان نامه خطا
 کل ایالی هندوستان نشر شده و ترجمه آن ازین قرار است دولت انگلیس در تبدیل دادن مد
 کل ایالی هندوستان مذمت خوستان که مذمت عیسوی باشد عزم و التزام نموده و بجهت
 این مرام و مقصد و سابقا بقشنگهای تفنگها روغن کادور و روغن بعضی حیوانات بد طلا کرده و زرده بود
 بنا بر مذکور که تپیده عا کردند به اینکه تفنگها را استعمال نموده ماز دولت مرنور اظهار عت
 کرده بودند با این حالت ده هزار کس از عا کردند را اراده کردند که سر یاعا بد فکول تفنگ نمایند
 و مضمون این کار شدند لند بسیار عا کردند سر از اطاعت اند دولت باز زده و پادشاه
 دلی را تحت جلوس دادند و باو بیعت کردند پاید و یکران نیز علی الخصوص عا کرد اسلامت عصیان
 بد دولت انگلیس نمایند و بان را بی که پیشینان رفقه اند باقی دیگر هم بروند آنچه از دولت انگلیس
 بالمصاعف آن عطا خواهد شد الان حکومت دلی نوب زیاد و قوه عالی بسیار دولت وادان دار
 در مقابله و مخاصمه با دولت انگلیس عسرت کشیده نخواهد شد در هر جا که از عا کردند باشد
 آنچه از ایالی اروپا در آنجا پیدا شوند باید کاملاً معدوم کرده و نقل برسانند (بعد از ظهور عصیان
 هندی در دلی در کل روزنامهائی که در هندوستان انطباع می یابد بعضی فقرات مؤثره که سبب
 آن عا کرد می نوشته اند ملاحظه فرمایید آن از جانب قائم مقام هندوستان نشر و اعلان
 شده است که بعد ازین در روزنامه های هندوستان فقراتی که مورت کینه و عداوت باشد
 (سابقا نوشته شده بود که در ظهور احتمال انداز فوجانی که مدخلت یابند هندوستان
 ایکه شاید با مفیدین اتفاق نماید احتیاطی و شت فوج از عا کردند از سلاح حرب عاری نمود
 اسباب ب آنها را گرفته و آخر حشبان موقوفه موقوف مانده در این اوقات از جانب قیامت
 هندوستان مقارن باطیسی نایره فاندالولایت با سلاح حرب آنها را پس دادن و درین
 مدت بیکاری آنها مواجب مرسومان را از دولت دادن و آنها را کافی است بق در سلک عسکر کشیدن
 نشر و اعلان شده است) (بجهت محاصره یاعیان دلی و آمدن قشون انگلیس جنرال فور له نام از جانب دولت
 مرنور با جوار فوج انگلیس و سجدت فرسواره سلام و دو فوج از سایر عا کردند که همه بجمعیت بودند
 رفقه بانجا که نزدیک شده بودند بیست فوج از یاعیان بمقابل آنها بیرون آمد بقدر کساعت و نیم
 نمودند از جانب یاعیان خیلی آدم تلف زخم دار شده و دولت نفرزنده دستگیر کرده فوراً بکشتن
 نمودند و از قشون انگلیس فقط صد و شصت نفر کشته گردیده و بعضی نیز زخم دار شده بودند

۲۳۱۴

روزنامه فایده انفاقیه تاریخ یوم ششم صفر ۱۲۷۶



منظومه دارالخلافه طهران

نزهت سید و پنجاه

قیمت اعلانات
هر خط یک

قیمت روزنامه
هر نسخه ده

احبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه در عمارت نکارستان
 شرف دارند امنای دولت علیه و مقربان حضرت کردون بسطت سینه و چاکران
 در بارگاه یون و مستوفیان و لشکریان عظام و سران و صاحب منصبان نظام و
 سایر اهل سلام هر یک در منزل معین خود مشغول انجام خدمات و مهات مرجوعه بجا
 بوده در لوازم امور محوله قیام و اقدام دارند و در وقت سلام هر روزه شرفیاب حضور هر طور
 اقدس کانون شاهنشاهی میشوند در روز پنجشنبه نوزدهم که شب اربعین و از ایام مستبرکه بود
 اعلیحضرت شاهنشاهی عزیمت زیارت امامزاده واجب التعظیم حضرت شاهزاده عبدالعظیم
 رضیم داده سوار شدند جناب شرف ارفع الخمصه صدر اعظم و بعضی از خواص و مقربان
 خدمت هم در موکب هایون زیارت بعهه منوره فایز آمدند و مسکام عصر موکب هایون
 نکارستان معاودت فرمودند (چون سال ایام دهه عاشورا بعضی از چاکران
 در بارگاه هایون که در شهر کتبه می بستند و تعزیه داری می نمودند در موکب هایون در نیادوان
 بودند درین اوقات که اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی از نیادوان نکارستان
 تشریف فرما شدند هر یک بقرار دهه عاشورا تکابای خود را بسته و لوازم سباب تعزیه داری
 فراسم آورده مشغول تعزیه داری میباشند و سایر طبق نیز از کتبه و عتبات تکابای مشغول
 تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية و الاوداع کونی و تادیس شاهنشاهی

۲۳۱۵

چون عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان میر بیچ از ابتدای چاکری سواره نشاء خدمات کلته
 دو فور صدقت و کفایت و محاسن خدمتگذاری و کاروانی او مشهود و ملحوظ خاطر اقدسین پادشاه
 شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده لهذا بموجب فرمان مهربلغان مبارک منصب اجودان با
 کل عساکر منصوره از نظام و غیر نظام اعم از سواره و پیاده سرفراز شد که بقضای حسن کفایت
 و کاروانی مشغول نظام امور قشون و انضباط بیوتات متعلق بنظام ارتقایل توپخانه و قورخانه
 و جبه خانه و اطاق نظام بوده بکارهای صاحب منصبان نظامی و قراول ارک مبارک و غیره سابقا
 شغل و منصب خود رسیدگی کامل نماید و در ازای منصب فروریکتوب جبه ترمه از چهارم خانی
 بمقرب الخاقان مشارالیه محبت گردید (مقرب الخاقان فضلعلی خان امیر تومان و جعفر قلخان
 قاجار میر بیچ حسن خان سرتب فوج قراجه داعی و عالیجاهان احمد خان و عباس آقانیاس
 اجودان باشی که نامور فارس بودند اذن مرخصی حاصل کرده درین روزها وارد دربار
 شده شرفیاب حضور مهر ظهور عالیون و مورد التفات و وزارتات ملوکانه گردیدند) (چون
 فوج قدرسکی ابوالجحیی عالیجاه میرعلینقی خان سرتبک مدتی بود در کرب بضررت انقباض مشغول
 خدمتگذاری و جان نثاری بودند حسب الامر اولیای دولت قاهره در ۲۴ شهریور قمری
 اجودان باشی و امین لشکرسان آنها را دیده و چویشان را داده مرخص گردیدند که رفقه در استرا
 در نزد مقرب الخاقان جعفر قلخان الیجانی بیکر سکی استرا بآدمشول خدمتگذاری باشند) (چون
 چهار نفر قورخانی از قورخانچیان متوقف شیراز باینکه ایام خدمتشان در آنجا منتهی شد بود
 و حکم احضارشان صادر گردید که از آنجا پس از رسیدن دستور العمل ایشان را سه ماهه حسب
 داده و مرخص سازند طاقت رسیدن حکم احضار خود را نیاورده و بدون اذن بخفا سلطان
 صاحب منصب قورخانه آنجا روانه شده و بدار الخلاف آمدند محض این تقصیر و بی نظامی که از ایشان
 صادر شده بود حسب الامر اولیای دولت قاهره عالیجاه میرزا حسین سررشته دار قورخان
 پس از تنبیه کامل ایشان را مجبوسا بایکف صاحب منصب قورخانه بشیر از فرستاد که در ازای
 این تقصیر که از آنها صادر شده یکسال دیگر در آنجا ساخلو و متوقف باشند) (و هم چنین
 اسمعیل سلطان قورخانی که از صاحب منصبان قدیم قورخانه است چون در ماه شعبان از
 در بایجان احضار شده بود که بقورخانه مبارک و ارا الخلاف بیاید حال که ماه صفر است حاضر
 شده است محض این تقصیر که مسامحه و امانت در آمدن کرده است حسب الامر اولیای دولت
 قاهره او را هم پس از تنبیه کامل در قورخانه مبارک بقراول گذارده و دو ماه تمام باید در قراول
 که عبرت جمیع صاحب منصبان قورخانه مبارک شود

۲۳۱۶

چون مراتب شایسته کی عالیجاه زمان بیکتاریه باور خارج از فوج مشهور و ملحوظ انسانی دولت
علیه کردید لکن در این اوقات اورا منصب باوری فوج بهادران سر او را فرمودند (در
افواج قاهره حاضر دارا خلاق مبارک که هر روزه در میدان مشق خارج دروازه دولت با
کمال شکر و نظامی و آراستگی تمام مشغول مشق و مقرب انجانان جوان باشی هر روزه در
مشق افواج حاضر شد. نهایت مراقبت و اهتمام در مشق و انتظام امر افواج و صاحب
نیاید و شبهارا نیز بر اولی و کتبک دوره عمارت سلطانی حاضر گشته مواظبت نام بعمل می آورد
و همچنین پوچیان حاضر رکاب نیز هر روزه در میدان ارک مشغول مشق میباشند و از جانب
صاحب منصبان اهتمام در مشق آنها میشود (در این اوقات هوای دارا خلاقه طهران در کمال
خوبی و اعتدال است در این روزها چند دفعه بارندگی جزئی شد تا در شب سه شنبه بارندگی
کامل که ریا و مطلوب و مایین و زراعت کاران بود کردید یک دو دفعه در شب فرور
باران بشتی سر کرد که اگر تا یک امتداد می یافت تپش سسین زیاد و خرابی بسیار داشت
اگر چه از اطراف و بلوکات نمود خبری نرسیده است ولی گمان است که این بارندگی
در سیلابات و کوه پایجانات سسین برآه افتاده باشد و امید کلی است که بعد از این بارندگی
فی الجمله ناخوشی تب و لرز که در میان مردم مست بکلی انشاء الله رفع یسود و سجد الله کمال فراد
و ارزانی در غله و میوه و غیره از هر چیزی حاصل است و انالی دارا خلاقه از اعالی و ادالی هر چه
و اسوده خاطر و از حصول ارزانی و فراوانی بکمال تشکر و تحسین بدعا گوئی ذات اقدس
عالیون علی حضرت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه اشغال دارند امور شهر و محلات و کفره
و قراول در نهایت انتظام است و کسی قدرت تفرقت و شرارت و حرکت خلاف ندارد
و عالیجهان کلانتر و کدخدایان حسب حکم توابع میباشند هر اده حکمران دارا خلاقه و مقرب انجانان
وزیر نهایت مراقبت در نظم شهر و محلات دارند و هم چنین امور قورخانه و جنبه خانه مبارک
نظم تمام دارد و اصناف و عملجات کارخانهها هر روزه در کارند و از جانب میباشند
تجویدار و غیره کمال رسیدگی در کار آنها میشود و لکن ساز و چغان ساز و قد آره ساز
و سایر اصناف جنبه خانهها و قورخانهها هر روزه سلاح و ادوات لازم را در نهایت
خوبی و اقبال ساخته و پرداخته تحویل بنا می نمایند

سایر ولایات

۲۳۱۷

قزوین

از قرار یک روز و زمام قزوین نوشته اند در شب جمعه ششم ماه صفر المنطقه که شب عید مولود مسعود
 سرکار علی حضرت قوی شوکت شاهشاهی ابد العیش بود نواب کامیاب شاد بزرگوار و الا سبب
 حکمران قزوین سبب بحسن عیش و تسهاری فرسود آورده در مقر حکومت خود مشغول عیش و
 و شادمانی شدند و کف بازارها و کاروانسراها را این بندهی و چراغان نموده عموم اهالی قزوین
 از اعیان و اعیان و تجار و کسبه و اصناف بلو از سبب بحسن و سرور اقدام نمودند و بزرگان
 عظام با مقرب انخافان حاجی حسنعلی خان پیکار قزوین خدمت نواب شاد بزرگوار حکمران قزوین
 شرفیاب شده است بحسن و سرور بر سر بردند و فرادای آن روز را نیز مجلس سلام عید انعقاد
 یافته اجرای مراسم عید بطور شایسته بعمل آمده بعد از ادای خطبه بنام اقدس ساجد یون
 و اختتام بدعای دوام عمر و دولت و از دیار شوکت و حمت مصون از آفتهاهی صرف بهر
 و شیرینی کرده و تهنیت و مبارکباد عید سعید را گفته مجلس سلام منقضي گردید و شب دوم نیز
 نواب کامیاب حکمران قزوین با سایر شاد بزرگان و اعزّه و اعیان و ولایت منزل متفرق
 حاجی حسنعلی خان تشریف فرما گردید و بلو از جمعی و سرور بردند (دیگر نوشته اند که نواب
 کامیاب و الا حکمران قزوین همه روزه بعد از فرغت از درس بدو استخانه نشسته بعد از این مطالب
 مردم رسیدگی کاملی نمایند و در هر هفته یک روز به مدت نزدیک شهر که یک فرسخ و دو فرسخ
 مسافت را روند برسم تفریح میروند و مقرب انخافان پیکار قزوین نیز همه روزه از طلوع آفتاب
 الی عصر در عمارت خود نشسته با سنجاق مطالب و غزایض رعایا و برابا و انجام مهمات و مرجوعات
 دیوانی می پردازند (دیگر نوشته اند درین روزها که طایفه شامسون قوت بیکو معاودت
 بقتل می نمودند در خاک قزوین دست اندازی بعضی از غایبین کرده بودند از جمله و نفر از پیکار
 که بر تبریز فرستند در دو فرسخی شهر قزوین برهنه کرده اموال و اسباب آنها را هر چه داشتند
 بودند مشارالیهما بقزوین مراجعت کرده مراتب را مقرب انخافان حاجی حسنعلی خان اظهار داشتند
 فوراً علی یک تفکد ارشاد می را که متوقف قزوین است تا مؤمن شود که رفته اموال و اسباب آن
 و نفر از طایفه مذکور مسترد و برگزین را نیز گرفته بسیار و مشارالیه نیز رفته اموال مسروق
 کلاه مسترد داد کرده و و نفر را نیز که برگزین سرقت بودند گرفته بقزوین آورد اموال بجا جانش
 تسلیم و ساریقی چند در حبس بودند تا ضامن و الترام دادند که بعد ازین مرتکب سرقت نشوند مگر درین

۲۳۱۸

حمدان

از قراریکه در روزنامه حمدان نوشته اند کمال اعیان و ارزانی و وفور نعمت در آن ولایت حاصل است و هوای آنجا نیز بسیار در نهایت خوبی و اعتدال بوده است چنانچه نوشته اند
 بهر سال در تابستان و پاییز ناخوشی تب و لرز و امراض دیگر در میان مردم پیش بود اما سال گذشته
 هیچگونه ناخوشی در آن ولایت ظهور و بروز نداشته است و غله و حاصل نیز بی افت و علت از هر
 قسم خوب حاصل آمده و محصول غله را برداشت کرده اند و بیم چنین نتیجه اینست طرق و شوارع بسیار
 با تنجیح نیز از لرستان و کرمانشاهان زیاد با تنجیمی آید و مالی آن ولایت از حصول ارزانی و امنیت
 کمال شکر گذار میرا دارند و مقرب انخافان معتمد الملک حکمران حمدان در نظم و ولایت و آسودگی رعیت
 و انجام خدمات دیوانی مراقبت تمام بعمل می آورد (دیگر نوشته اند که چند نفر دزد سه چهار سال
 بود که اموال زیاد از مردم بسرقت برده بودند و از اموال مسروقه و سایر قبیل هر قدر شخص
 می شد چیزی برودن میگرد و اشخاصی که مرتکب این دزدیها میشدند کسی بجان دزدی با نمانی بردتا
 در این اوقات که مقرب انخافان معتمد الملک در باب پیدا کردن و بدست آوردن سابقین
 تاکید آید و قدغن منع نموده کار گزاران بجد و جهد تمام در مقام جستجو بر آمدند و عمل سابقین بر دزد
 کرده و سبک شدند از جمله شکورهای سر بازار طبلس نقاره خانه را چهار سال قبل ازین دزدیده
 و بهودی فروخته بود بعد از اقرار خود شارا لیه فرستاده بهودی را آوردند او هم اقرار با این عمل
 کرده در مقام تبیین و مواخذة برآمد و سایر سابقین نیز اموال مسروقه را که بتدریج دزدیده
 بدو و پیش علی نامی دلال فروخته بودند شارا لیه را نیز حاضر آورده تحقیق کردند چون مجال انکار
 نداشت سخریدن اشیاء مسروقه اقرار و مورد تبیین گردیده سابقین حسب احکام مجبوس شدند تا بعد
 استرواد اموال مردم حکم آنها بشود) (دیگر نوشته اند از جمله غایب کوسفندی را دخیج کرده بود
 برتة از میان سگم او بیرون آمد که یک سر داشت و دو بدن و چهار دست و چهار پا ولی پو
 و موند داشت فقط گوشت و استخوان بود بجهت تماشا نزد معتمد الملک آوردند و چند روز نگاه داشتند
 بودند که مردم می آمدند و تماشا میکردند) (و نیز از غایب کوسفندی در جین آمدن بهمدان
 در فرقه شاه بدایق خدیضه منع گرفته بود که غذا برای خود ترتیب دهد و قشی که تخم مار انگشته
 بود در میان یکی از آنها بعد از تخم کنجک تخم دیگر دیده بود که آن هم مثل سایر تخمها پرده و سفیده در رفته
 داشت و پوتش نیز مانند پوست تخمهای دیگر سخت بود

۲۳۱۹

اخبار دول خارج

شهر دلی که از شهرهای معظم هندوستان و پادشاه جهان آباد نیز موسوم است بتصرف دولت آن
در آمده بود خدی قبل امانی انجمن عصیان و رزیده پادشاهی در آنجا تحت جلوس دادند در روز
دول خارج از کیفیت محاسبی که دولت انگلیس با قشون پادشاه دلی تفصیل زیاد میشود
بعضی از آنها درین روزنامه نوشته شود چون اصل بنای انجمن عمومی قدیم دیاست در لوار
شهر و حال نوشته اند این اوقات در روزنامه های خارج نیز از بنیاد کیفیت آن مهوره میشود از جهت
اطلاع و استحضار جمالی از ترجمه روزنامه های خارج درین روزنامه نگاشته میشود شهر مذکور که در
دوم ایران و افغانستان و عربستان و لاهور و کشمیر و برمالک است چهار هزار دهنه و پنجاه
قبل ازین با و ستره نام پادشاه طت مجوسی که در هندوستان بود آن مکان را فتح کرده
بغایت متین و مستحکم دور آن کشیده و پنجاه و دو دروازه در دور آن حصار قرار داده آنجا
شهر معظم معتبری نمود و شهر مذکور با این حالت تا چند هزار سال روز بروز معمورتر میشود
سال قبل ازین از حکام افغانستان محمود نام از طرفه افندی با عساکر بسیار رفقه آن شهر را
و تصرف نمود و پس از فوت او زمان جنس را انجا نسل بعد نسل در دست اولاد و اعیان او بود
صدل در آنجا حکومت داشتند بچند حکومت انجا از تصرف آن سلسله بیرون شد باز از
حکومت آنجا بچند نام ستم رسید چون آب و هوای انجا با اوسا کار نیاید امانی انجا را مجبور
در نزد یکی انجا در محلی که دوست گیر نام داشت بنای آبادی گذاشت تا آنکه سال قبل ازین از
ایران فرود شاه نام انجا را فتح و تصرف نموده امانی انجا را با باریگان و جای اولی گوچا پدید
و آبادی انجا را زیادتر از سابق کرد و چهل سال در آنجا حکومت نمود چون شهرت شهرت و معروفیت
و ثروت و دولت امانی انجا عالم گیر گردید در سسکامی که امیر تمور کورکانی غزم تبحر مند و ستان نمود
تبحر انجا را الزم و اهم دانست با قوه کامله عساکر فایز غزمت شهر مذکور را کرده بعد از مدتی که انجا
عظیمه و جنگهای حسیه اتفاق افتاد شهر البهره غلبه مفتوح و با جنود نامعدود داخل شده قتل عام و تمام
تمام نموده بیرون آمد بعد از آن تا مدت بیست و شش سال انجا بدون حاکم ماند تا چهار صد و
چهل سال قبل ازین از پادشاهان مغول بامیر شاه نام آمده انجا را تصرف کرده با عقل و درایت قرار
حکومت و بنای آبادی در انجا گذاشت چون شهر مذکور از جهه بندریت و موقع استعدا و معروفیت
داشت در اندک زمانی با باریگان اولی و اصلی خود آمده نظم آبادی و تعمیر یافت بعد از وفات پادشاه

۲۳۲۰

۷

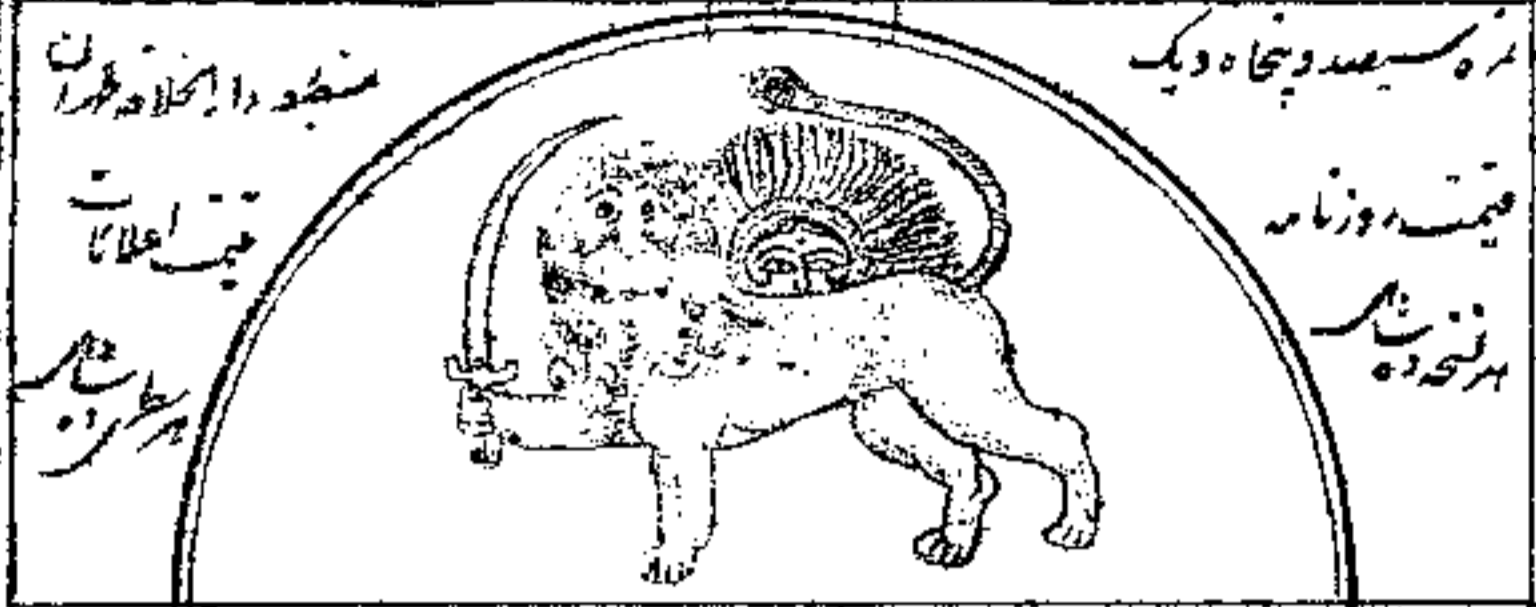
حکومت به پسرش مایون شاه انتقال یافت آنهم تاسی به پدر خود کرده جندی حکومت نمود و بعد از فوت او غان حکومت آنجا بدست اچا ز نام شخصی از سنده پادشاه افتاده مشا را لیه سنا بیعتی ملاحظات در آن شهر اقامت نموده شهر آکره را که در آن حوالی واقع است از برای خود متصرف حکومت قرار داد و زان اثنای یعنی دو سال قبل ازین باز از برای تسخیر آنجا از پادشاهان ایران شاه جهان نام با لشکر و افزای ایران حرکت کرده و شهر مزبور را مدتی محاصره نمود پس از محاربات متعدده آن شهر را تصرف نمود و از مهاجرات عدیده و ترساکات شدید که آن شهر را در سخرالی گذراند بسیار متأسف گردیده در صد آبادی آنجا در راه آکره غلام کبرای هند را بان شهر احضار کرده در لوازم سبب معورت آن شهر با هر یک از صاحبان تدابیر و تجریه بجان بجان مشورت کرده اسم قدیم شهر را تغییر داده باسم خود شاه جهان آباد موسوم نمود مساجد و مدارس و بنیادهای زیاده در آنجا بنا نهاد و در تبدیل وضع شهر از وضع اول اقدام نموده و از یکصد و ده فرسخ آنجا از شهر حمده ابهای بسیار با آنجا جاری ساخت و عمارتی هم برای خودش بنا نمود و در آن عمارت مخصوص خودش اطاعتی که اطرافش از فیروزه باشد ساخته در آن اطاق تختی که مثل آن در و دیده نشده است از طلا مرصع با لباس و زعفران شکل طلا و مس ساخت و در سر طاقس ز مردمی که از امیر تیمور کورگان و مشهور افاق است نصب نمودت مدیدی با این احوال در کمال اقتدار در آنجا حکومت کرد بعد از فوت او پسرش او رنگ زین شاه تحت حکومت جلوس کرده بعد از فوت او محمد شاه تحت حکومت نشست بعد از آنکه مدتی حکومت کرد از پادشاهان ایران نادر شاه سپهر با عساکر موفور از ایران حرکت کرده در نزدیکی آنجا با محمد شاه جنگ کرده و غالب آمده داخل شهر گردید عمارت حکومتی را بنا نهاد و عمارت نموده و از صاحبان ثروت و سامان بدی و مالیات سنگین مطالبه کرد و نظر بر و ایات بعضی تواریخ نادر شاه اموالی که از آنجا عمارت کرد در قریب هزار کرد و بود و بعد از ورود به شهر مزبور چنانچه در تواریخ نوشته اند بعضی او با شش شهرش کرده بغیر خانه و غیره هجوم آورده بعضی از قشون نادر شاه را بقتل آوردند لیه آتش خشم او زبانه کشیده حکم بقتل عام نمود و بقدر صد هزار کس عرصه شمشیر کرده آن شهر را آتش زد و برای حمل و نقل جواهر و طلا آلات و نفیست بجا تمام مشغول شمشیر کردن طلای مسکوک و هزار نفر تا بجا مشغول ساختن صندوق و جعبه حمل و نقل آنها بود بعد از آنکه نادر شاه از آنجا حرکت کرد پس از شش سال باز شهر مزبور صورت عمارت و آبادی گرفته مؤخر آبار دیگر افاضه آنجا را عمارت کردند و دو سال پیش ازین انجمن میرنده قسید

۲۳۲۱

ما هر دو آنجا رانید و عمارت کرده خراب نمودند بعد از اینها که شهر مذکور متصرف دولت انگلیس درآمد
 و در دو حصاریکه در اطراف شهر بود در شکل قلعه متحد و امر جدا بنا نموده اند و در هر برجی نه عراده توپ
 گذاشته اند و عمارت حکومتی را هم تعمیر کرده اند شهر مذکور چهار سوقی دارد مشهورش و نسوق
 بسیار نفیس و یک مسجد جامع دارد که کعبه او کلا مرمر سفید است و در وسط آن سنگها خطوط بسیار
 بنیات الف سجاالت طبیعی خود رسم است و سواى آن از مرمر سیاه مصنوعی عجیب که دیده
 یک مسجد دیگر و سواى اینها چند مسجد جامع دیگر دارد اما لی آنجا شصت و هفت هزار مسلمان ^{بنفیان}
 هزارت پرست و بیت و دو هزار ممل سا نر هشتاد که جمله صد و شصت هزار نفوس دگر باشند
 و شهر مذکور با نظور که منبع تجارت است فقط در سال گذشته صد و شصت و شش هزار بار حیوانی نصف
 هزار عرابه بار کرده اقمه و اجناس وارد شهر مذکور گردید است علما در آنجا زیادند یک روز نامه
 بزبان عربی و دو روز نامه بزبان فارسی و پنج روز نامه بزبان مندی که جمله شصت کارخانه روز نامه
 در آنجا در کار است نظر باین جهات و کثرت علما در آن شهر اما لی هند زیاده از اطراف تحصیل
 علوم دانما با آنجا میروند (دیگر نوشته اند نظر با خبری که این روز نامه می رسد شهر و بی الان
 محصور قشون انگلیس است ما و از دهم خیزران در خارج شهر مذکور نصف دفعه محاربه شدید اتفاق افتاد
 حتی در دو از دهم خیزران محاربه طرفین کمال شدت یافتار باب عسکریان بشکرهائی که قشون
 انگلیس ساخته بودند داخل شده اند درین محاربه فوج هند و پنجم انگلیس کمال شجاعت را ظاهر ساخته اند
 و سشکرهائی که باغبان گرفته بودند از آنها پس گرفتند و بعد از آن در ۲۳ خیزران محاربه دیگر و کوه
 یافته درین محاربه از باغبان هزار نفر تلف شده اند و از طرف قشون انگلیس نیز شصت و هفت نفر
 تلف گردیده اند و خراججه کمال حرارت آنجا خیزران بر لار نام سر کرده قشون انگلیس فوت شده
 بجای او خیزران رید سپر کردی نصب و تبین گردیده نظر کمال شدت حرارت دگرهای آنجا از قشون
 انگلیس که در کوچه راه میرفتند بعضی افتاده فوت شده اند باین ملاحظات محاربه قشون انگلیس
 آنجا بروجه مطلوب صورت گرفته بود است) (بجهت تحصیل قشون بجزیره هر سال دولت روس
 از سفاین حرثیه که در قه استاد و در بعضی را بسواحل بحر بالتیک میفرستد و چون سواحل روس
 اغلب سنگستان است در هر سال نصف این کشتیها سگند و تلف می شوند بعد ازین دولت روس
 قرار گذاشته اند که سفاین هر قوه بطرف هند و چین بگردش بروند و باین جهت دولت و هند
 ضابط با پنجاه نفر سایر تخصیص یافته است

۲۳۲۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم بیستم شهر ربيع الاول مطابق میان سن ۱۲۷۳



سه سید و پنجاه و یک

قیمت روزنامه

هر نسخه شش

منبسطه دار اخلایه طهران

قیمت اعلی

هر طرز

اخبار واحسان مالک محروسه پادشاهی

دار اخلایه طهران

اعلیحضرت اقدس پادشاهی کماکان در بخارستان تشریف دارند و چاکران دربار سعادت در کجا کجا
 مثل خود مشغول و در وقت بیاض حضور با هر نوروز کانه میسود (چون عالیجاه بیست و سه همراه محمد اسمعیل خان
 چایچی باشی در انجام خدمات محوله خود و در رساندن احکام و یوانی ولایات و اخبار ولایات به پادشاهی و انار
 کفایت ظاهر شده و خاطر اقدس پادشاهی و امنای دولت علیه از حسن مدیریت خود خوششود و در این اوقات
 بطلب جلیل شیرالدوله کی که مخصوص این منصب است از فرمان مبارک که سرفراز و یکشوب جبهه ترمه نیز در حق او بر
 مرحمت گردید) عالیجاه میرزا محمد علی ششتر در توپخانه مبارک مراتب صداقت و اتهامات خود در انجام خدمات
 ظاهر شده بود و یکمقاله کرمانی بنام ارباب از صند و قحانه مبارک که خلف مرحمت گردید) (و هم چنین عالیجاه میرزا علی اکبر
 اجدان باشی توپخانه مبارک در انجام خدمات محوله خود در دست از عهد برآمد و یکمقاله کرمانی با و خلف
 (و نیز عالیجاه اصلان خان سرنگ توپخانه مبارک از عهد خدمات محوله خود خوب برآمد بود و یکمقاله کرمانی
 با و خلف مرحمت گردید) (و هم چنین عالیجاه عبداللہ سلطان نظر خسر خدمات و شایستگی منصب یاوری توپخانه مبارک
 سرفراز گردید) (و هم چنین عالیجاه محصل علی بیگ میرزا رضانا بیان توپخانه مبارک در انجام خدمات
 مراتب اتهامات خود در اظهار ساخته بودند منصب سلطانی توپخانه مبارک که سرفراز گردیدند) (نقل از
 عالیجاه میرزا سید محمد پیر مرحوم میرزا صادق لشکر نویس لوری در این اوقات از فرمان
 نهر لغان مبارک منصب لشکر نویس سرفراز و در لزامی منصب مزبور یکشوب جبهه ترمه کرمانی
 از صند و قحانه مبارک با و خلف مرحمت گردید

۲۳۲۳

اورباچان

از فرای که در روزنامه خوی نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت نواب شاهزاده محمد رحیم میرزا
 نظام و انضباط است و نواب معزی الیه در نظم ولایت و رفاه حال رعیت و انتظام عدالت
 و انجام خدمات و مرجوعات دیوانی کمال مراقبت را بعمل می آورد از جمله نامهای قلعه و خندق خوی
 که از جانب اولیای دولت علیه حکم با تمام آن شده بود نواب معزی الیه تا که است اکتبه درین
 باب بعمل آورده بنا و عمل زیاد بکار انداخته و خود بنفشه همه روزه در هر جا که کاری شود مفصل
 و رسیدگی می نماید و بحسن مراقبت و اهتمام ایشان غمگین در کمال استحکام صورت اتمام خواهد یافت
 (دیگر نوشته اند که در شب ششم صفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت اقدس عالیون
 شاهنشاهی بود تفریحی که کل حکام و صاحب اختیاران ممالک محروسه لوارم جشن و سرور در همه
 تهیت و مبارکبادی این عید را مانند عیاد بزرگ بعمل آورده اند نواب معزی الیه نیز حکم نمودند که کل
 شهر و بازارها و کاروانسراها را این بندی و چراغان کرده عموم اهل آنجا از اعیان و اشراف و
 کسب و غیره بعیش و شادمانی مشغول بوده اسباب جشن و تشریف در حضور نواب معزی الیه
 در آن روز هم آورده اند شب را برود و کامرانی ببرند و فرودای آن شب هم که روز عید مولود
 عالیون بود انعقاد سلام عید داده چاکران دیوانی و اعظم و اعیان ولایت حاضر آمدند بعد از اجراء
 شکر تواریخی خطبه بنام نامی سرکار اعلیحضرت اقدس عالیون شاهنشاهی و اتمام بدعای
 بقای دولت و شوکت مصلحت از تئاهی نموده صرف شربت و شیرینی نمودند و مجلس سلام منقذی کردند
 (دیگر نوشته اند که نهایت امانت و ارزانی و فراوانی هر کوزه نعمت در آن ولایت حاصل است
 و نرخ اجناس و ماکولات روز بروز تنزل می کند رعایا در این جهت فرین خرسندی و شکر
 گذاری پیاوستند) (از آن سلسله تبریز اگر چه روزنامه رسیده است ولی از قرار مکاتیب تجار
 و غیره امور آنجا نیز احسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده محسنم و الا بتبارک کن الدوله اعلیه
 اردشیر میرزا حکمران مملکت اورباچان و مومنین سلطان وزیر نظام و پیشکار اورباچان قرین انتظام
 و نرخ قلعه و سایر اجناس و ماکولات در آنجا نیز روز بروز در تنزل است و هر چیزی کمال وفور
 بهم رسانده امانی و اعیان ازین برحد نهایت دعاگوئی و شکر گذاری را دارند و زلزله که در ماه
 ذی حجه و محرم در تبریز و اطراف کابلی اتفاق می افتاد و مردم در تشویش بودند بعد از امام محرم که
 بجهت الله اتفاق بقیاده و بکلی موقوف گردیده است

۲۳۲۴

کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند در شب ششم ماه صفر که شب عید مولود مسعود اعلیحضرت
 قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه بود امیر الامراء العظام سپهبد ار حکمران کرمان قدس سره نمودند
 که کل بازار را آیین بندی و چراغان نموده و در آنکسب و جشن و آهنگاری و آهنگ آوری و بلوارم عیش
 و سرور و صیافت اقدام نموده و در روز ششم بقوله اعیان و بزرگان اتفاقا سلام داده اعلاظم و امیر اعیان
 و چاکران دیوان حاضر آمدند و اجرای شکر توپ کردند و ادای خطبه بنام اقدس بیابون در آن
 بر عاری بقای عمر و دولت ابد مقرون گردیده صرف شربت شیرینی نمودند و ادای تهنیت و مبارکباد
 کردند و اوضاع آیین بندی و چراغان تا شب برقرار بود اعالی و ادالی بحسن و دانی مشغول بودند
 (دیگر نوشته اند که کمال اذیت و انتظام در آن ولایت حاصل است امیر الامراء العظام سپهبد ار در
 نظم ولایت و رفاه حال عیش و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت و رسیدگی را بعمل می
 و مقرب انخاقان میرزا محمد مستوفی پیشکار کرمان همه روزه با مستوفیان در دفتر نشسته به معین محاسبات
 و معاملات دیوانی و وصول و ایصال مالیات و رساندن تخوا به برآه داران دیوان مشغول است
 و همچنین امور شهر و محلات و طرق دشوار از حسن مراقبت حکمران و پیشکار نظم و مضبوط است
 و سرقت و سرزنت و خلاف حساب از احدی ناشی و صادر نمی شود زوآر و قوافل با سودگی
 اطمینان عبور و مرور نمایند مستحفظ و قزاق در همه راهها مشغول حفظ و حرارت عابرین میگردند
 میباشند) (عالیجه مقرب انخاقان امامعلی خان سرتیپ فوج اول کرمانی که با فوج و توکر گردیف و
 توپخانه و قورخانه مأمور بلوچستان بود بحسن کفایت و کاروانی امور آن صفحات را نظم کامل داده
 در این اوقات مقضی المرام به بیم مراجعت نموده است ولی بسبب گرمی هوای آن صفحات و امتداد
 سفر و عدم بارندگی مأمورین مشقت بسیار کشیده بودند بعد از ورود به بیم امیر الامراء العظام سپهبد ار
 آدم فرستادند آنها را دیده نشانهای هر شعاع که از دربارهای بلوچستانها محبت شده بودند
 هر یک از صاحب منصب و یارین را فریاد حال مورد نوازش و التفات نموده مرخص اماکن و اوطان خود
 گردیدند) (عالیجه مقرب انخاقان شیخانی خان سرتیپ که با فوج خلیج با امور خلو کرمان بودند در این اوقات
 که از دربارهای بلوچ حکم احضار آنها صادر شده بود حسب احکام موجب سیوریات آنها پرداخته
 شده و مطالباتی که داشتند وصول و ایصال گردیده و امورشان بهمه جهت انتظام یافته روانه گردیدند
 معدلت مدارهای بلوچ گردیدند

۲۳۲۵

کردستان

از روز آریکه در روزنامه کردستان نوشته اند کمال انتظام و امنیت و ارزانی و دادانی در آن ولایت حاصل است و هرگز نفی نهایت و فور را دارد مگر گوشت و روغن که نسبت بلبهای سابق قدری گران است معترف استخافان امان الله خان والی کردستان در نظرم ولایت و رفاه حال رعیت و خدمات و مهلت دیوانی و وصول و ایصال مالیات و روانه کردن قسط دیوانی بدو اشخاص نهایت اهتمام را بجهت می آورد و در سرپرستی رعایا با ملاحظه تمام وارد و عموم افغانی استخافان سوده خاطر بدعای دوام دولت و ابد القصال اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که بیست و نه غاشور از روز بطوری که در سایر ممالک محدود و تقریباً داری می شود یعنی شد مگر سلسله ولایت و رعایای خود همان و نه غاشور را تقریباً داری میگرداند ولی امسال حبیب الله خان از غزه محترم تا سنج مشغول تقریباً داری بودند و در همه کار و اسرار او خانها مجلس مصیبت چیده و خبرها گذاشته تقریباً داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحية والثناء اقدام داشته و معترف استخافان والی برای حصول دعای خیر جمیع ذات اقدس هاپون شایسته روزی و شبها فقره اساکین و اهل استخافان را اطعام می نمود و در هر مجلس بعد از انقضای تقریباً مردم دست برداشته بدعای وجود فانی خود اقدس هاپون را زیاد دولت و شوکت ابد معزودن صد البته میگرداند (دیگر از قراریکه در روزنامه خوانند نوشته اند ایام غاشور و تقریباً داری که از مصافحات استخافان خانه آتش گرفته این خانها از مرد و زن سرسپه بیرون دویدند و صد نفر با دلبند کرده بودند زنی در میان یکی از این خانها طفل شیرخواره در کلهواره بجا گذاشته بود و بجهت و راه آوردن آن طفل دوباره با خانه در آتش آن زن را زد و گرفت اهل قریه از سوختن خانها خیر و آرزو شده با بنج حقیقت کرده مشغول خاموش کردن آتش شدند بعد از آنکه آتش را خاموش کردند بنجها در آمده کل اسباب هر سه خانه را سوخته یا فتنه و آن ضعیفه را نیز که باستخافان طفل خود رفته بود دیدند سوخته و خاک شده است و هر چه در آن خانه بود نیز بالمره سوخته و بهر صد طف آمده است که آن طفل که از قدرت الهی آتش پرامون کلهواره او ننگشته حتی حرارت آتش نیز با او تاثیر کرده است آن طفل را سلامت از میان آن خانه بیرون آوردند ولی ما و آتش که سلامت بیرون آمده بود هوای بیرون آوردن طفل آن مسئله محذور بود است که دوباره خود را به تنگ انداخته طف نبود مردم از وقوع این قضیه عجب کمال عبرت و تعجب را داشته

۲۳۲۶

دیگر نوشته اند که بجهت واقعات معلومه بند از جانب دولت انگلیس کشتی بخار ترانس نام که در میان
 بعضی اشیاء و مهمات دیگر از نفوسون بود در سواحل بند بکل نشسته و غرق گردید ولی
 اشخاص و اشیاء او را سلامت بکلی بیرون آوردند و نیز از کشتیهای انگلیس کشتی سالیه نام از نفوسون
 انگلیس که در بند را پوشه نوزد قدری پیاده و بکده نشسته نوب حمل کرده بود و بند و ستان قریب
 در اثنای راه بکل نشسته غرق و ساکن شد و از عاگری که در او بودند ده نفر با یک ده باقی
 سلامت درآمدند و باقی تلف شدند (در این اوقات از جانب اعلیحضرت پادشاه پروسه
 بموجب قونسل دولت مریور که در مریور مقیم است نشان اکل رد در نام از مرتبه اول دولت مریور که مشهور
 و لقب کل در مکتان است بجهت جناب عمده الولاة والی والا نشان مصر سعید پاشا ارسال شد
 و قونسل مریور با این و اوضاع حسن آن نشان را بحضور جناب والی مغزی الیه برده و تسلیم نمود
) (دیگر نوشته اند که از معتبرین صرافان انگلیس سه نفر موسیو پرس و موسیو لاریکن و موسیو چون نام
 از صامون از جاده اناسید و تو فاد تا سیواس که دویست و پنجاه میل مسافت دارد راه آهنی از آن
 کرده اند که بازند و درین باب بجهت استحصال حصص از دولت علی عثمانیه چند وقت پیش ازین
 با سلامبول آمده و عرض حال نموده و از برای از قوه بفعول آوردن متعهد شده اند که بطریق زمین
 در مدت شش ماه بیت و پنجاه لیر که هر لیر الی تخمیناً هفت و دو هزار و سیار است بخرتیه عثمانیه تسلیم
 نمایند و از دولت عثمانیه نیز مستدعی شده اند که کفالت نماید که بصاحبان بخواند که درین قومیان
 شراکت می کنند در هر صد تومان هفت تومان منفعت بسیار عاید سازد) (منصب قوماندهانی
 قشون بحریه فرانسه هر چهار سال بچهار سال از جانب دولت فرانسه بعهده یکی مختول میشود این
 اوقات که مدت قوماندهانی جناب جنرال ویلو فر تمام شده است از جانب دولت فرانسه جناب
 جنرال فلاور بقوماندهانی قشون بحریه و سفاین عربیه اند دولت محین و منصوب گردیده است) (بجهت
 دیدن جاهای عجیب و کودی در ریاتاکون از منرمندان فرنگستان قرقانوسی اختراع کرده اند که در
 زیر آب مشتعل میگردد و در یادیده می شود ولی سوحش آن فائوسها نام داشت دفعه شش طول
 منی کشید و زور خاموش می شد در این اوقات یکی از منرمندان فرانسه با بعضی اجزاء یک فائوس
 اختراع کرده است که نامذقی در زیر آب روشنی میدهد و از جانب دولت فرانسه این فائوس
 بمقام بحریه در آورده و امتحان کرده اند و مثالی اثبات منرمندی خود را نموده) (دیگر نوشته اند که در این اوقات
 جانب دولت روس ایران بجهت نام کشتی حبسکی با نامورنتی مخصوصه بجانب چین غریب کرده است

۲۳۲۷

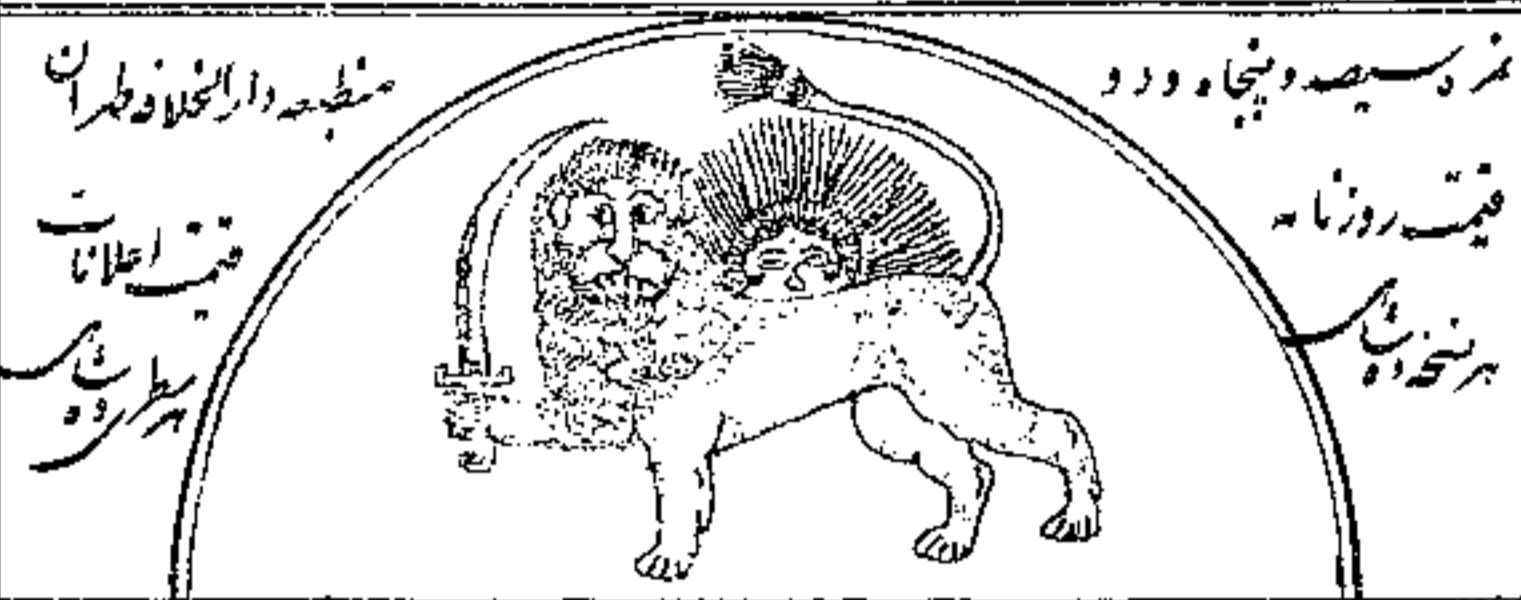
اخبار دول خاج

شده و بجا

نظر باختلال بند در محل قانون پورنام مابین دلی و لاهور جنرال دیرنام صاحب منصب امیر تومانی با
تغایر قشون انگلیس وقت داشت اینشا یرندیه و باغیان خناصاحب نام باده بهر قشون لاهور
رفته اقدام بجاری نمود چون قشون انگلیس در مقابل این حقیقت زیاد باغیان مجری بودند لاهور
شدند و باغیان اطراف آنها را گرفته مباشرت حرب کردند و بجهت عدم آذوقه محصورین مشقت افتاد
صاحب منصب مزبور باینکه آن ششصد و پنجاه نفر در جنگ و در حقیقت بی آذوقه کلا بمصر
فرآمدند و باغیان شهر را متصرف گردیدند این حادثه در آله آباد مسموع جنرال جوهر لون شده فوراً
پس از آنکه موجوده خود بان سمت حرکت کرده پس از رسیدن نزدیکی آن شهر باغیان بمقابلت
و بنامین سه نوبت جنگ سخت اتفاق افتاد و در نوبت سیم جنرال جوهر لون غالب آمد و آنچه
اسیر از باغیان بدست آورد همه را بدین توپ گذاشته بود (دیگر نوشته اند که آنچه
قشون انگلیس که در دلی با باغیان مجاریه میکردند از قشون انگلیس که در کلکتا بودند بچهار نفر بطرف دلی
روان شدند و در آسای راه در محل نموش نام که در آنکه واقع است دوازده هزار قشون هندیه بجا
انها درآمد طرفین بیانات نظام مدتی مجاریه نمودند از قشون انگلیس بقدر هزار نفر گشته در چهار
گردیدند و از طرف باغیان چند رگشته در چهار شده باشند هنوز معلوم نشده است (دیگر
نوشته اند که این اختلالات دلی بهر جای مملکت هند سرایت کرده است از جمله درین اوقات در
لقتو ام داخل مملکت خود مسلمانان از مذمت شیعه ناکاه در درون شهر آغاز شورش نمودند و قشون
که در قلعه آنجا متحصن داشتند حمله آورده بعد از چند دفعه مجاریه و زود خورد قوماندهان قشون انگلیس جنرال لور
نام که در مرتبه امیر تومانی بود زخمی گردید و دل پور قشون انگلیس محصورند و قلعه بقصر باغیان در نیاید
بعد ازین اغتشاش بقدر ایالت دهقان در محل حیدرآباد نام نیز بعضی فتنه و فساد ظهور کرده از
جانب حاکمان آنجا که لقب امیر نظامی دارد بروی باغیان معذور و افی قشون مأمور و بعد از مجاریه
از باغیان وسکیه و مجوس گردیدند و بطور بوده است علی الحساب حلال در آن ولایت خاموش
شده است) (سابقاً بیان شده بود که در روزنامه های هندوستان بعضی فقرات که درین برتند
و عداوت باغیان هندوستان بود درج میشد و از جانب حکومت بر روزنامه نویسان قدغن شده بود
که بعد ازین اینگونه فقرات را که موجب عداوت این شخص میبود ننویسند بوجهی روزنامه که این اوقات رسید چون
در روزنامه این فقرات درج میشد و روزنامه بران را که سلطان خاوردورین نام داشت درین روز موقوف

۳۳۳۸

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم شنبه و سه شنبه و سه شنبه و سه شنبه و سه شنبه



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت اقدس پادشاهی ابدالعیش که در بخاراستان تشریف داشتند در شب شنبه عزیمت ارک مبارک فرموده سوار شدند حواص و مقربان در باره هایون و سمران و صاحب منصبان و سایر خدام در باره کردند و در چشم در موکب هایون بوده نیم ساعت از مغرب گذشته که ساعت خوب بود با آنکه و الاقبال مبهت سلطت عظمی نزول اجلال فرمودند (نظر به حسن حدیث که آری پادشاهی محسن میرزا و طهور عیانت ملوکانه در باره نواب مغزی البیه در روز و در موکب هایون بدار الخلافه یک کتب کلجی تره شیری لاکه بطنایه جناب از طبوس خاصین مبارک باد و رحمت و عنایت فرمودند) (مقرب الخاقان عین الملک که هر اسم مراقبت را در خدمتگذاری مشهود خاطر اقدس ملوکانه داشته متوجه حمت شده بود در روز و در بدار الخلافه یک کتب کلجی تره زمردی از طبوس بن مبارک در حق او رحمت گردید) (نظر به جناب مقرب الخاقان حاجب الدوله در سفر سیلاقات و کشکک شبها و نظیفات عمارات مبارکه و سایر خدمات که بنظر مبارک جلوه گرامه یک کتب کلجی تره زمردی بطانه خراز طبوس بن مبارک باد و رحمت فرمودند) (و هم چنین مقرب الخاقان در ترضی قلچیان قولل آقاسی که خاطر اقدس باین از خدمات مشهود خود داشته بود و در روز و در موکب هایون بدار الخلافه یک کتب کلجی تره از طبوس بن مبارک باد و عنایت فرمودند چون هر ساله در شب بیت و مقیم صفه که نواب شاهزاده و الا تبار بهار الدوله مجلس تعزیه داری برپا شده است جناب مستطاب شرفزار فتح چشم صدر اعظم سجد استماع و در مصیبت جناب سید الشهدا بانجام فرستاد نیز در شب بیت بهنتم ماه صدر مجلس تعزیه داری نواب مغزی البیه تشریف برده استماع و در مصیبت فرمودند

۲۳۲۹

چون در ضمن اوضاع حاضره مملکت دلی هندوستان که مشهورشاه جهان آباد است اصل بنای
آن دسواج ایام که شته و انقلاباتی که با تنجا روی داده بود از ترجمه روزنامه های خارجی در روزنامه
که شته نوشته شد بعضی وقایع که در ایام هایون شاه ابن با پرشاه کورکانی مغول اتفاق افتاد و
مشا رالیه التجا پادشاه وقت ایران شاه طهاسب صفوی انار الله برمانه آورد در روزنامه
خارجی نوشته شده بود درین روزنامه بوجه اختصار روح میشود هایون شاه پادشاه مالک
هندوستان از قندهار و کابل و خیشان تا اقصای پنجال بود و شهر دلی پای تخت او بود شترخان
افغان که از غم ملازمان او بود با او یامی شده در کنار آب گنگ جنک کرده هایون شاه را
و هایون شاه بدار الملک کرده و سبازشکرو استعداد نموده مستعد قتال شد درین وقت میرزا
میرزا کامران تمارض نموده بلاهوت و بسیاری از قوتش متفرق شدند بار دیگر هایون شاه با شترخان
در کنار آب گنگ جنک در پیوسته این دفعه نیز مغلوب و پیشانی از بار اول شده در اگره مجال یافت
نیافت بطرف لاهور رفت در لاهور نیز تجمه رفتن کامران میرزا کابل و جهات دیگر مجال توقف نیافت
بملکت سند رفت اولاد امیر ذوالنون ارغون که در اینجا بقلب ملک شده بودند روی موافقت نمودند
با مخالفت کشوندند از اینجا بطرف قندهار روانه شدند چون بولایت شال و شیک رسید برادر کهنه شتری
که حاکم قندهار بود از پیشانی و استیصال او اکامی یافته بفرم گرفتن و بیدخل کردن هایون شاه با قوت
زیاد از قندهار بیرون آمد و روانه اردوی هایون شاه گردید هایون شاه از کیه و مکر برادر خیرا شده
چاره در التجا آوردن بدولت ایران دید احوال انغال را در اینجا که آشته باشد و تقاضای خواص
امرای موافق از راه چول بستان درآمد حاکم بستان که از جانب شاه طهاسب در اینجا بود او را اعزاز
و اکرام نموده خدمات شایسته تقدیم ساید و هایون شاه از بستان نامه خدمت شاه طهاسب
برجوادنی که با روی داده و روی التجا بدولت ایران آورده قلمی و ارسال نموده از جانب شاه طهاسب
نامه و بطور دلخواه بخط خود شاه طهاسب قلمی شده این شعر نیز در ضمن جواب نامه و مندرج بود
بیا ما افتد ترا اگر کزری بر مقام ما افتد و فرمان پادشاهی بعبده محمد خان شرف الدین او غلی که پیشکام
و در خدمت شاهزاده سلطان محمد میرزا در بهرت بود صادر شد که در استقبال و اعزاز و احترام و مهربانی
هایون شاه دقیقه نامری که از د و مقدم او را معزز و کرامی دارد هایون شاه بهرت آمده شاهزاده و
آداب و رسوم مهربانی را بطور شایسته بعمل آوردند و از آنجا روانه عراق گردید در هر شهری از شهرهای
که محل عبور او بود حکام آنجا با هر حسب فرموده شاه طهاسب خدمتها نمودند و پیشکشها کشیدند تا بقزوین

۷۳۳۰

آمده چندی در آنجا اقامت نموده نامزد دیگر مبنی بر اظهار اشتیاق طلاق شاه طهاسب که در حدود سلطنت
 اردو داشته قلمی نموده چون صاحب طبع بود و کاهی شعر می گفت این قطعه را نیز در ضمن مطلب گفته و در
 مندرج کرده بود خسرو استرلیت با غمای عالی همت قله قاف قناعت را شهنشین کرده دست رو برنگار
 سخته کند نمای جو خوش طوطی طبع مرقانع با زرن کرده است التماس از شاه ان دارم که با من
 آنچه با سلمان علی در دست ارژن کرده است بعد از رسیدن جواب بطریق صواب باز دوشی شاه
 روانه شده شاهزادگان عظام سام میرزا و بهرام میرزا و اعیان و مقربان دولت شاهی و عموم خدم و حشم
 حسب حکم شاه طهاسب او را استقبال نموده وقتی که در اردو پیاده شده خود شاه طهاسب از خراگاه برکن
 آمده او را استقبال نمود دست او را گرفته با هم خیمه درآمد و از جانب شاه طهاسب اعزاز و اکرام و احترام
 تمام یافته از جمله دیایلی که هالیون شاه حضور شاه طهاسب که از چند قطعه لعل بدستی و یک قطعه الماس
 که اینها بود که وزن آن الماس را چهار مثقال چهار دانگ نوشته اند با یکصد صیقل فنیایی
 و طویلهای بزرگ برای هالیون شاه لعل آمده و شکار جگر که در آن اوقات طرح انداخته از چند رود
 راه جانوران شکار برارنده در یورلق جگر که صهم درت داده اول حسب تکلیف شاه طهاسب
 هالیون شاه و شاهزادگان سام میرزا و بهرام میرزا تیر اندازی نمودند و بعد از آن خود شاه
 کمان چکنک در آورده چند شکار را تیر انداختند و چند کور فری سرین را نیز شمشیر که را نیند و کمان
 بسیار در آن جگر که گرفتار آمدند بعد از صیقل فنیها و جشمهای عدیده شاه طهاسب تدارک هالیون
 را دیده تاج و کمر مرصع و جواهرات دیگر با دادند و نفود و خیمه و حرگاه و نقاره خانه و طبل علم
 و کار خانجات با همه اسباب و اسبان تازی و استران و استران با رکش و اسب و اسب و سایر
 اسباب سلطنت او را بقیاد مرتب داشته همراهان او را نیز فراخورشان و رتبت خلایع قاضیه و حو
 انعام محبت نمودند شاه طهاسب سپه خود سلطان مراد میرزا را با چند نفر از امرای محترم و دوازده هزار
 غلبه اسب مجاوت و امداد هالیون مامور نمود که حکم او را مطیع بوده ولایات او را از دست یاعیان
 و او را در سلطنت خود مستقل سازند و قشون مأموره از اردو حرکت کرده چون هالیون خواهش دیدن تیر
 و زیارت بعه شاه جنی و سایر اولیای کرام را کرده بود شاه طهاسب مهنازه همراه او کرده در و رود تیر
 الهی آنجا استقبال کرده و قصیه و میدان صاحب الزمان را با اسباب حشمت متبسته شهر این بزرگ نمود
 لوازم مهناذاری را بعل آوردند و از آنجا بار پس فیه شاه صنی غیره زیارت کرده مرخص بارگشتی که در این
 نموده و در حقیقت در حرم ان قشون مأموره پیوسته و کلن لایات خود را بکتابت ان قشون تصرف در آورد

۲۳۳۱

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت نواب مستطاب
 شاهزاده و الایثار حثمت الدوله حکمران اصفهان قریب انتظام و انضباط است و بعضی
 رعایا و نظم ولایت و انجام خدمات دیوانی رسیدگی تمام دارند و عمال و مباشرین شهر
 و بلوکات حسب حکم نواب معزی المیه بنظم امور رعایا و اصناف و وصول و ایصال متوجبات
 دیوانی مشغول اند و کسی قدرت تعدی و زیادتی بر رعایا ندارد و رعایا آسوده خاطر و مزاحم
 با موررستی خود و دعاگوئی ذات اقدس پنهان شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان استغفار
 (دیگر نوشته اند که صنف صباغ اصفهان مدتی مذکور میشدند که هر شب مال یکی از مالداران
 و سارق معلوم نیست تخفین مراقبت این کار بود تا یکی از آنها دیده بود که صبح بسیار زود شاکر صباغ
 آمده در یک خم بزرگ صباغی که خالی بود پنهان شده و چند توب قدک در دست او بود مستحفظ
 مذکور پرسیده بود که این قدکها را از کجا آورده گفته بود از دزدیکهای بازار است حاجی گریزانده ام
 و قدکها را برشته و از کرده بود مقدار آن مشهدی علی اصفهان صباغ دکان خود را کسوده چند توب
 قدک از دکان مفقود یافت که پان دزدیکهای بازار صباغی را گرفته بود مستحفظ برونشان شاکر صباغ
 داده و پنهان شدن او و چند توب قدک که در دست داشت پنهان کرده بود شاکر صباغ با پیش رفتن
 شاکر صباغ را از محله باب آلهت گرفته آورد و اقرار برقت خود کرده صباغان دیگر نیز مدعی اموال سرود
 خود کرده شب او را مستحفظ سپرده صبح آمدند که مطالبه اموال خود را نمایند استوائی در عقب انبار قدک بود
 شاکر در برابر با بخار رفته و در از عقب سینه با چاقو کلوی خود را بریده بود بعد از ساعتی که صدی ناکه شنیدند
 بسر وقت او رفته دیدند خود را مذبح کرده و قریب هلاکت است زخم او را بجهت کردنی فایده نکرد و در گذشت
 حسب حکم نواب حثمت الدوله مرافقه رجوع شده بطریق مصاحبه چهل تومان و آرشه مشهدی علی اصفهان بپوشیدن
 بدو عسراق از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند در شب ششم ماه صفر که شب عید مولود مسعود
 شاهنشاهی بود چون مقرب بخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق در ستانه تبرکه که آمده سهیل ابن علی بود در آنجا
 جشن و شادی فراوان آورده آتش نامی رات آن اطراف چراغان بود و روز عید را هم در آنجا
 عید منعقد شده سادات و اشراف و اعیان و چاکران دیوانی حاضر آمده صرف شربت و شیرینی
 نموده ادای خطبه بنام سرکار اقدس عالیون شاهنشاهی و احتتام بدعای بقا و از یاد دولت
 شوکت مصون ارشاهی شده مجلس عید معقوفی گردید

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان میرزا حسن خان دلمات خالصه کرازو شراه را بدقت رسید
 کرده در هر حال که لازم بود وجه نقد و غله بر عایای دلمات فریور مساعد داده آنها را در لکرم زیاده
 و رعیتی نمود (دیگر نوشته اند که نرخ غله سال در تمامی عراق نسبت بسایه های که نوشته اند
 چنانچه خوارری هفت هزار شتری ندارد و در همه جا نبات و فورا وارد و رعایا و امانی
 چه مرقد الحال و آسوده خاطر می شد) (دیگر نوشته اند که ولدان آقار فیج استاز که
 که بهر زکی و شرارت در کراز معرف و بهیله با جاره کردن خالصات انجا و ندادن وجه
 و حوزدن مال دیوان جبری و معناد بودند در پند هسنه هم قدری از خالصات در بند بالای
 کراز را اجاره کرده بودند این روزها که وقت تحویل دادن جنس دیوان بود عالیجاه قاسم قاسم
 نایب کراز مطالبه وجه اجاره نموده بود بنای سرکشی و افت و کد استه چند نفر از کد خدایان
 و رنبد بالارا از قبیل حاجی رستم ده سفیدی و اقا علی قلعه آقا حمیدی و خسرو سلطان را تحریک
 کرده و با خود همه پستان نموده قاسم آقار را جواب کرده بودند مشا را لیه از عهده کار آنها
 مراتب احواد آمد به مقرب الخاقان میرزا حسن خان اظهار داشت آدمی در ستاده کاغذ با آنها نوشت که اگر
 در اجاره صرفی در پند یا از قاسم آقا شکایت دارید بنزد من بیایید و قاسم آقا نیز در انجا
 بکفکوی طرفین رسیدگی شود آنها درآمدن معادیر ناموجه متمسک شده و حشمتی خود راه داده
 بنای جمعیت و قلعه داری گذاشته از اشرا رنجتیماری جابلق که با آنها منسوب در شرارت پستان
 بودند استمداد نموده سی چهل سوار مبادا آنها آمد و ولدان آقار فیج سابق الکر ابراهیم خان
 و عباس خان که شاحض مفیدین و متبجفت دلو بند بر عایای اطراف و بلوکات نوشتجات و ستاده
 سحر یک کردند که حاکم و مباشر را جواب بگویند بعضی رعایا از راه عاقبت منی آنها را جواب گفته و نوشتجات
 بنزد مقرب الخاقان میرزا حسن خان آوردند بیکله اشرا فریور بنار ابره سینه بندی و قلعه داری و اذیت مردم
 عالیجاه علینقی خان سیرت بنای نوشته مقرب الخاقان را لیه در مقام استمالت و رفع آقا آنها را به مفید فایده
 تا اینکه خود مقرب الخاقان مشارالیه بنجر با صفت مفاد سوار بر سر آنها ابلخار و مفیدین خواهی نخواهی گرفت
 که دیدند ولی شفاعت بعضی علما از اذیت جانی آنها گذشته و در نزد مقرب الخاقان مشارالیه استند تا
 محاسبات دیوانی خود را بهر دارند (دیگر نوشته اند که این قاضی سلطان آباد در محله و ضمیمه آن وضع
 نموده سه دختر بیک شکم آورده بود دختر سیم که متولد شده بود سوهرش گفته بود که چراغ را برد
 که قد ما راست گفته اند تا چراغ روشن باشد دختر از پی دختر خواهد و بالفعل هر سه دختر موجودند

۲۳۳۳

اختیار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه جریده السخاوات اسلامبول نوشته اند در باب راه آهن تاکنون همزمان
 فرانکستان صرف افکار نموده اند و محسنات عدیده آن مشهود گردیده است و باین جهت آقای
 یکنمای شهنشاه نموده اند از جمله در راه آهن ردینه بجهت چند مصارف زیاد ملحوظ شده و متعارف
 مسازیر و سربالایا مانند راه هموار چون کاسک کار میکنند در آنجا که کوه با سربشیب و سربالایا
 میشود مصارفات علاحده نموده و راههای علیتجهه درست کرده اند و درین صورت که نوشته اند
 مصارف بسیار احتمال خطر زیاد نیز میسرود و تاکنون از نمرندان فرانکستان چند آنکه فکر و تدبیر
 کرده اند طریق سهولتی در او پیدا نموده اند در این اوقات از شرتهای جریده خانه اسلامبول
 شخصی مکتوب کاسک مانند کشتی سنجار اختراع نموده است که مانند کاسک راه آهن مخصوص ساخته
 قیت بلکه در هر بای روی زمین حرکت میکند و راه می رود و همچنین در سربشیب و سربالایا
 حرکت باز میماند و مثل اینکه در زمین هموار حرکت می کند و دست و بلند نیز همان قسم حرکت دارد
 و از کاسکهای راه آهن نیز در سرعت حرکت کم نیست و عقب میماند چونکه آن کاسکهای راه
 آهن اگر هزار تومان با ساختن راه خرج دارد این کاسک احتیاج با ساختن راه ندارد و پیشتر
 تمام میشود و محسنات عدیده آن بعد از آنکه رونق در و اج بیاید بکل دنیا فایده خواهد بخشید این
 مرده و وعد این گذارش را در روزنامه جریده السخاوات اسلامبول نشر و اعلان کرده اند که شخص
 مزبور را هر کس بخواند شناسد باید از جریده خانه سنوا نماند (بقراریکه بکرات نوشته اند
 راه آهنی که از سار دینه بفرانسه کار میکند در جلوه آن کوه مشهور بنس واقع است و بجهت ضرورت
 راه مزبور در اطراف کوه گردش می کند و باین جهت عبور و مرور کاسک در او میشود بجهت تسهیل
 عسرت دولت سار دینه قرار داده بود که هر کس از نمرندان فرانکستان آلتی اختراع نماید که
 کوه مزبور را سوراخ کند و راه آهن از آنجا درست بشود نشان امتیاز مخصوص با او اعطا بشود
 اشخاص درین باب آلات عدیده اختراع کرده اند از جمله یکی از نمرندان کلیس آلتی اختراع
 نموده که با آلات برین راجع آمد و بابت مزبور قرار سوراخ کردن کوه داده شد و در و از و مهم
 قرال سار دینه با بعضی دکلا و مانورین با سنجار فقه سوراخ کردن کوه رخصت داده اند و مسافتی
 که از کوه مزبور باید سوراخ شود نمیل که عبارت از ساعت مسافت باشد معین شده و این
 راه در صورتیکه بوجه و نحوه سوراخ شود شخصی که این آلت را اختراع کرده است امتیاز بر آن خواهد داشت

وراثتای سوراخ کردن کوه مزبور رفتن قرال سار دینه که با بنجامین شده است نوات
 پرسس ناپلیان عموزاده اعلیحضرت امیرالخورفزان نیز با بنجامینت کرده اند (اعلیحضرت شاهنشاهی
 انگلیس و رادابن محرم از جزیره ویط که با اعلیحضرت امیرالخورفزان طاقات کرده بودند بجهت
 سیاحت کشتی بنجار سوار شده کشتی سازخانه شاربورغ عزیمت نموده دسی و شش ساعت در
 آنجا توقف کرده اند و مراجعت بجزیره ویط نموده اند و در مدت اقامت در آن کشتی سازخانه
 بجهت تبریک قدم ایشان از قبیل چراغانی شب و انداختن توب بعضی شلیکها اجری شده
 (بموجب روزنامه که در این اوقات از لندن رسیده است چنانچه هر سال درین موسم
 مجلس شورت یا لنتوختام پذیر شده مرچیده میشود در دوازدهم محرم مجلس مزبور برپا شده
 و یک روز قبل از برپا شدن مجلس مزبور اعلیحضرت پادشاه انگلیس از جانب خود نامور
 مخصوص با بنجامین فرستاده از خدمات مسبقه اعضای مجلس اظهار رضامندی و تحسین کرده
 و از استراحت کل فرنگستان که مشهود میشود اظهار امتنان نموده اند و معاهده عمومی که
 در پاریس تنظیم شده کافراجر کرده بعضی فقرات آن نیز که هنوز مجری نشده است غریب
 حسن تنبیه آنها هم مامول است و احتمالی که در هندوستان خصوصاً در ایالت بنگاله ظهور کرده
 و از طرف اهالی آنجا در حق انگلیسها معاملات غریبه که مغایر طریقہ ثابت است بعمل آمده آنها
 تائید نموده اند و درین خصوص رایه الوصف غیرتمندی مأمورین هندوستان مشهود شده
 و بجهت حسن اندفاع و قهه مذکوره تدابیر حسنه که لازم است سرعاً اجراء شود و ترویج دختر
 خودشان را به پرسس کلوم سپرد لیجد دولت پرسس مذکوره و بیان نموده اند) (تقریر که
 چند دفعه بیان گردیده در محفل الکندر نام که سرحد استرته و وزیر حکومت دولت سار دینه
 برای قلع که در آنجا ساخته شده است از جانب دولت مزبور اراده شده بود که بکصد عماده پو
 در آنجا گذاشته شود و مقدار کافی وجه نقد بجهت آن توپها جمع شده بود در ثانی از جانب اهالی
 فرانسه و انگلیس نیز وجه اعانه داده شده بود درین اوقات محض استحکام مبانی و داد و نداد
 از جانب جمهوری نیکی دنیا بنجاه عماده توپ بجهت گذاشتن در قلع مزبور مصحوب مأمورین
 با بنجامین فرستاده شده و مأمور مزبور با توپها مقدماتی بجزیره پای تحت سار دینه رسیده و
 اهالی جنوه بجهت تماشای توپها بیرون آمده از جانب دولت سار دینه استقبال مأمورین
 باین تمام بعمل آمده توپها را بان قلع فرستاده و در آنجا گذاشته اند

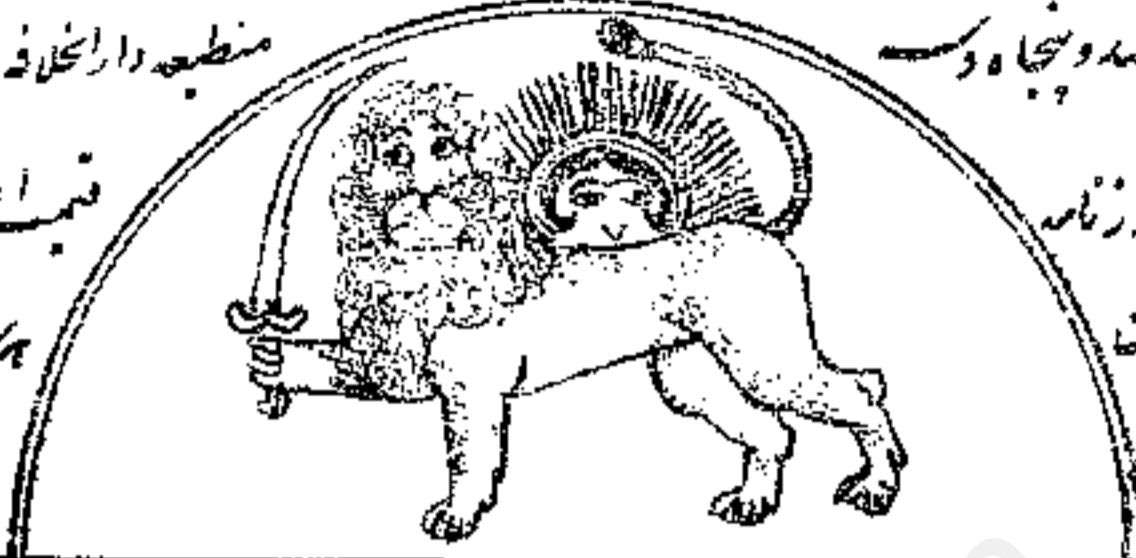
احتمال هندوستان بقراریکه بکرات نوشته بودند در هر طرف هندوستان نبود فقط در ایالت
 بنگاله و بمبئی و مدیس ظهور داشت و از باب فساد عبارت از شتاب و هفت فوج بودند در این
 اوقات بموجب تحریرات روزنامه های لندن مقارن ظهور این ناپره احتمال کرده یا عیان بر
 نظر شده الان همه جای هندوستان اغتشاش دارد و بحباب تریب چهارصد هزار ساعت
 اراضی انجاشوش است و یا عیان که در آنجا ها سکنی دارند شصت طیان نفوس که صد و شصت
 گزور باشد مستند از جهت شمالی تا بگوستان بهلایا و از جنوب بمالک عود تا صحرای کیریندوستان
 و از شرق بگوستان برمه و از غرب تا حد و افغانستان انقلاب و اغتشاش است و قشون
 موجوده انگلیس که الان در هندوستان مستند بیت هزار نفر باشند (در این اوقات
 از حکومت بر ازیل کشتی که هیچده توب دارد با بعضی شاکردان بخریه بجهت تحصیل سمت سلاطین
 غنیمت کرده است که چندی در بحر سفید گردش کرده بعد از آن پاریس و لندن برود
 مملکت بر ازیل چون در سمت جنوبی یکی دنیا و چندان مناسبتی با این اطراف نداشت تا کون
 کشتی آن دولت بحر سفید نیامده بود) (دوم چنین پرسس دوران نام سپر وال فلک بجهت گردش
 کردن در بحر سفید در این اوقات با یک کشتی از فلک حرکت کرده است) (بجهت قیام بودن سفر
 و حرکت از عا کرده دولت فرانسه بیت و یک هزار و دو سیت و پنجاه نفر که چهارده هزار آن پیاده و
 مابقی سواره اند در سمت شرقی پاریس در محل شالون نام جمع گردیده و با جرای تعلیمات آنها تیار
 شده بجهت سهولت حمل و نقل آنها پاریس از پاریس تا آنجا یک راه آهن ساخته اند بطور عاریه
 و بجهت رسیدگی و تماشای آن قشون اعلی حضرت امپراطور فرانسه از راه فرورد در محرم بانجا رفته بکشت
 در آنجا بوده اند روز دیگر پاریس معاودت کرده اند) (از همین مهرا یک دو نوبت بمالک روس
 بعضی اشیاء با قیمت با دو کاروان می آید بجهت اینکه چندان منفعتی بدارد دولت روس اراده کرده است
 که یک باب بزرگ تجارت بانولایت متخوم نماید که شامل منافع کثیره و محسنات عدیده باشد
 لند در این اوقات یک قوم پانیه تجارت در بطرز لوبیع تشکیل داده و چند قطعه کشتی بخار قرار
 داده اند بآنند که از هند امور مملکت سیر بچین و هند و سمرقند و کشمیر بجهت تجارت آید و
 نمایند و درین قوم پانیه از جانب دولت روس حکم شده است که از تجارت فرانسو
 انگلیس نیز هر کس بخواهد شرکت نماید آذون خواهد بود

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت پوچم به همد شهر بیخ اول مطایران سلطان حسین

نمونه سیصد و پنجاه و دو

قیمت روزنامه

هر نسخه دیش



منطبه دارالخلافه طهران

نمایع اعلانات

هر شماره

اخبار واحسنه مالک محروپادشاهی

دارالخلافه طهران

هوای دارالخلافه طهران در این اوقات بسیار خوب است اگر چه باقتضای فصل قدری برودت دارد ولی خیلی باغذال است و از قزاقیکه از روزنامه های سایر مالک محروم معلوم میشود هوای دارالخلافه طهران در این اوقات به بهتر از جاهای دیگر است چند وقت پیش ازین بارندگی کامل کرد حال چند روز است بارندگی نغش و لی هوای تازه است و نظر خوبی بود در روز شنبه که شسته اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی ابد الله عظمی تفریح و گردش اطراف دارالخلافه را فرموده و ساعتی در سباحه اطراف دلوامی را فرموده پس کام عصر به تسلط عظمی معاودت فرمود (بعد از شرف فرامی موکتایون این سلاطین در این بختان چون رسیدند انتظام امر غلام شیخ متان غلامان خراسان که در کباب میکان مستند بعدد سه سستی و توجه نتیجی الوزراء العظام مقرب الخاقان میرزا علیخان محمول و موکول فرموده بود در بخارستان که انباران در آن حضور با یون که شسته بقدری خوب و با کبره و با و اسباب بودند که فوق الغای مطبوع و متبول حضور با یون کرید و محض محنت در آنجا میگوید که بن پوش بسیار که است با یون مقرب الخاقان مشایر الیه محنت فرمودند در حقیقت این محنت حال در حق هیچک از کاران بزرگ مبدول نیفتاده بود

(اخبار بلوا و شورش سپید و سنجان آنچه تا امروز در روزنامه جات دارالخلافه اباهر سمیت نگاشته است کلاً از روی روزنامه جات یورپ و جریده الحوادث اسلامبول ترجمه و اخذ شده است چنان که خبر مخصوصی از هند و سستان بیامی و روزنامه دارالخلافه رسیده با که محل اعتماد بوده با ویدان و سینه مطبوعی با خبری را جز در روزنامه نماید حال تا آن خبر رسیده که خبر روزنامه گذشته که در ضعف قیون دولت فخریه نوشته بود و آن روزنامه ترجمه گشته و در روزنامه دارالخلافه طهران بیخ پوچم چاپ شده و اصل آن در محل اعتماد بنود

۲۳۳۷

سایر ولایات

اورباچان) تبریز از قرائیکه در روزنامه تبریز نوشته اند کمال ایت و انتظام و قراوت
 بر کوی نعمت در آن ولایت حاصل است و اهالی آنجا در عین فراغت و آسودگی بدعا گوئی ذات
 اقدس پادشاهی اشتغال دارند و نواب مستطاب بزرگوار و محترم و الامتبار رکن الدوله
 اردشیر میرزا حکمران مملکت اورباچان بمؤمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و سپهسالار آنجا
 در نظم ولایت و رفاه حال عیث و امنیت طرق و شوارع و انجام مرجوعات و مهات دیوانی
 وافی و اهتمام کافی بعمل می آورند و مؤمن سلطان وزیر نظام همه روزه در اطاق نظام و مقر
 و انخافان میرزا مصطفی قلی خان بمستوفیان در دفتر خانه و حاجی میرزا محمد خان دبیر مهمام خارجه در اطاق
 خانه و علیقلی خان بیکر سکی باکد خدایان در دیوانخانه بسیار که نشسته هر یک در انجام خدمات
 مواظب مراقبت میباشند و کسی مصدر خلاف حساب سرفقت و شرمیت تواند بشود (دیگر نوشته
 که در شب ششم ماه صفر که شب عید مولود مسعود سرکار اقدس پادشاهی بود حسب حکم نواب
 مستطاب رکن الدوله العلیه کل بازاره و کاروانسرا و حجرات و دکاکین را ریز و زینت
 کرده چراغان نمودند و اسباب جشن و تشریفاتی سنگین در حضور نواب مغزی الیه فرسب
 بلوارم عیش و شادمانی بر چشیدند و بعد از انقضای تشریفاتی نواب مغزی الیه با صاحب مضبان
 دیوان بجهت تماشا و گردش بازاره آمده آنتب را صبح بازاره چراغان بود و اهل شهر از
 و شریف مشغول شربت بودند در روز ششم که روز عید مولود مسعود بود نواب مغزی الیه بقصد سلام
 دادند مؤمن سلطان وزیر نظام با میرنجهکان و سران و صاحب مضبان نظام و خوین عظام
 و مستوفیان و سایر اهل سلام حاضر گشته اجزای شیک توب بعل آمد و ادای خطبه بنام اقدس
 پادشاهی و احتتام بدعای از دیبا عسره دولت مصون از تنای شده صرف شربت و شیرینی
 نمودند و سلام عید منقضی گردید (دیگر نوشته اند که مقرب انخافان سپهسالار و خان سیرت
 اول دولت علیه که از دربار پادشاهی با مؤمن سلطان شده بود در روز و روز و در راه
 مستطاب رکن الدوله و مؤمن سلطان وزیر نظام چند نفر از سرمکان و صاحب مضبان را با
 فرستاده او را با اعزاز و احترام تمام وارد نموده در باغ شمال منزل دادند و بعد از ورود شیرینی
 او فرستاده لوازم تو قیر و کیرم از او بعل آوردند و روز حرکت از آنجا حسب حکم اولیای دولت علیه
 چند نفر از صاحب مضبان امور خارجه و عالیجاتان مجرب قلیخان و فتحعلی خان و سایر خان همراهی

۲۳۳۸